گزارش

یدیعوت آحارانوت: رصد اطلاعاتی اروپا از همکاری چین با ایران در حوزه تجهیزات پدافندی خبر می‌دهد

نگرانی تل‌آویو از پدافند شرقی تهران - پکن

یکی از دلایل اصلی توقف جنگ اسرائیل و آمریکا علیه ایران، تشدید حملات موشکی ایران به سرزمین اشغالی بود. ایران در پاسخ به حملات تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی، در تمام ۱۲ روز، نقاط مختلفی در اسرائیل را با موشک‌های بالستیک و هایپرسونیک مورد هدف قرار داد. در چنین شرایطی، ذخایر موشک‌های پدافندی اسرائیل و آمریکا که برای دفاع از اسرائیل در برابر این حملات به کار گرفته شدند، بشدت کاهش یافت. سامانه‌های دفاعی مانند «آرو»، «فلاخن داوود»، «تاد» و «گنبد آهنین» فشار بی‌سابقه‌ای را متحمل شدند که به کاهش ذخایر موشکی‌شان منجر شد. این موضوع، همراه با خسارات وارده به زیرساخت‌های اسرائیل، از جمله بنادر، مراکز نظامی و امنیتی، نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌ها، رژیم و ایالات متحده را وادار کرد برای بازسازی توان نظامی خود، جنگ را متوقف کنند. در طرف مقابل، ایران نیز به سرعت برنامه بازسازی توانایی نظامی و دفاعی خود را در دستور کار قرار داد. به گفته مقامات نظامی کشورمان، این بازسازی بویژه در حوزه پدافندی با موفقیت انجام شده است.

با این حال، رسانه‌های غربی و صهیونیستی ادعا می‌کنند ایران برای تقویت سامانه‌های پدافند هوایی خود به همکاری با چین رو آورده است. در همین رابطه روزنامه عبری‌زبان یدیعوت آحارانوت مدعی شده چین هنوز تأیید نکرده است زرادخانه موشکی ایران را تأمین خواهد کرد اما آژانس‌های اطلاعاتی غربی شاهد افزایش همکاری‌ها بین تهران و پکن هستند.

طبق اعلام این رسانه صهیونیستی، چین اکنون در حال بازسازی توانمندی‌های ایران است و در همین رابطه مقامات ارشد اسرائیل خبر داده‌اند نیات چین کاملاً مشخص نیست و اسرائیل پیام‌هایی به پکن ارسال کرده است.

البته موضوع کمک چین به بازسازی قدرت پدافندی ایران از همان روزهای ابتدایی پس از توقف جنگ ۱۲ روزه توسط برخی رسانه‌های غیررسمی مطرح شد و به سرعت حساسیت‌های اسرائیل را برانگیخت. یدیعوت آحارانوت گزارش داده مقامات ارشد اسرائیل نسبت به نیات چین در این همکاری‌ها ابراز نگرانی کرده و پیام‌های روشنی به پکن ارسال کرده‌اند تا توضیحاتی در این باره دریافت کنند. این رسانه تأکید کرد چین هنوز به صورت رسمی تأیید نکرده قصد دارد زرادخانه پدافندی ایران را بازسازی کند اما افزایش همکاری‌های تهران و پکن برای اسرائیل نگران‌کننده است.

توان موشکی ایران، با قابلیت نفوذ به سامانه‌های پدافندی پیشرفته و دقت بالا، به سطحی از توانمندی رسیده که اکنون امکان هدف قرار دادن هر نقطه‌ای از سرزمین اشغالی را برای نیروهای مسلح کشورمان فراهم کرده است. با این حال، جنگ اخیر نشان داد توان موشکی تنها بخشی از نیازهای دفاعی-نظامی ایران را پوشش می‌دهد. در حوزه پدافند هوایی، سامانه‌های بومی مانند «باور ۳۷۳»، «۱۵ خرداد» و «۳ خرداد» عملکرد قابل قبولی از خود نشان دادند اما برای ایجاد یک سپر دفاعی چندلایه که بتواند برابر تهدیدات متنوع، از جمله جنگنده‌های نسل پنجم، موشک‌های کروز و پهپادهای پیشرفته مقاومت کند، نیاز به تقویت زیرساخت‌های پدافندی احساس می‌شود.

در چنین شرایطی، چین به عنوان کشوری با فناوری نظامی پیشرفته و دارای روابط راهبردی با ایران، در دسترس‌ترین گزینه برای تأمین نیازهای دفاعی ایران در حوزه جنگنده‌ها و سامانه‌های پدافندی به شمار می‌رود. همکاری با چین به عنوان شریکی که تحت تاثیر محدودیت‌های سیاسی کشورهای غرب نیست، می‌تواند راهگشای نیازهای دفاعی ایران باشد. به همین دلیل هم رژیم صهیونیستی با جدیت و نگرانی اخبار مرتبط با هر نوع همکاری دفاعی - نظامی تهران و پکن را دنبال و رصد می‌کند. گزارش اخیر یدیعوت آحارانوت نیز بیانگر نگرانی رژیم صهیونیستی از کمک چین به تقویت پدافندی ایران است.

خبر

رئیس دفتر رئیس‌جمهور:

پسر و داماد پزشکیان در دولت دخالت نمی‌کنند

محسن حاجی‌میرزایی در گفت‌وگویی درباره صدور حکم برای پسر و داماد رئیس‌جمهور گفت: اینها هر دو با من کار می‌کنند. آقا یوسف که استاد دانشگاه است، واقعاً علاقه‌مند و فهیم است و در موضوعات مختلف فعالیت دارد و جلسات مختلفی را می‌رود و شهادت می‌دهم هیچ دخالتی در امور اجرایی ندارد؛ نه در انتصابات و نه در هیچ موضوع دیگر. در صورتی که زمانی این رویه بود.

رئیس دفتر رئیس‌جمهور افزود: داماد ایشان هم که با ایشان زندگی می‌کند، گاهی یک ارتباط یا یک پیامی یا کاری هست که جز از این طریق ممکن نیست. هر رئیس‌جمهوری نیاز دارد به فردی نزدیک که کاملاً به او اعتماد داشته باشد تا برخی امور را با او تبادل کند. ایشان از صبح زود تا شب، پا به پای آقای پزشکیان حضور دارد آن هم بدون هیچ دخالتی در عزل و نصب‌ها.

■ در طول ۱۲ روز جنگ، دیدار رئیس‌جمهور با رهبر انقلاب کاملاً برقرار بود

رئیس دفتر رئیس‌جمهور ادامه داد: در طول این ۱۲ روز، ملاقات‌های حضوری آقای پزشکیان با آقا کاملاً برقرار بود. این ارتباط قطع نشده بود، نه زمان ملاقات کوتاه‌تر شد و نه فاصله زمانی تغییر کرد؛ همه جلسات طبق روال و زمانبندی قبلی انجام می‌شد.

گزارش «وطن امروز» درباره ادعای نادرست محسن هاشمی رفسنجانی

دنیای گفتمان غافلگیر شد!

در جریان حمله رژیم صهیونیستی و آمریکا به ایران و پس از توقف جنگ، برخی جریان‌های مغرض، در فضای مجازی، بریده مختصری از یکی از بیانات رهبر انقلاب را منتشر کردند که ایشان درباره تهدیدات آمریکا گفته بودند «نه مذاکره می‌کنیم و نه جنگ می‌شود». این جریان‌های مغرض در واقع قصد داشتند این پیام را برسانند که رهبر انقلاب درباره تهدید حمله نظامی به ایران اشتباه پیش‌بینی کردند.

همان زمان برخی رسانه‌های انقلابی با انتشار متن کامل آن بیانات رهبر انقلاب و توضیح زمان و موضوع این بیانات، روشنگری کردند. با این حال در شرایطی که واقعیت این بیانات توضیح داده شده بود اما ظاهراً این جریان‌های مغرض بدون توجه به اصل ماجرا، همچنان تلاش می‌کنند این ادعای نادرست را مطرح کنند. محسن هاشمی‌رفسنجانی شامگاه سه‌شنبه در یک برنامه تلویزیونی این ادعا را تکرار کرد و گفت همه در ایران از حمله رژیم صهیونیستی غافلگیر شدند و حتی رهبر انقلاب نیز گفته بودند نه مذاکره می‌کنیم و نه جنگ خواهد شد.

این صحبت‌های رفسنجانی کوچک، در خوشبینانه‌ترین حالت نشان‌دهنده شیطنت است. در ادامه، هم واقعیت بیانات رهبر انقلاب توضیح داده و هم چند نکته درباره پشت پرده این قلب واقعیت مطرح می‌شود.

■ اما ماجرای سخنان رهبر انقلاب

رهبر انقلاب صبح روز دوشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۷ در دیدار هزاران نفر از قشرهای مردم از استان‌های مختلف کشور، سخنان بسیار مهمی درباره موضوع مذاکره با دولت ترامپ بیان کردند. در آن مقطع زمانی، یک سال از ریاست جمهوری ترامپ می‌گذشت و او آمریکا را از برجام خارج کرده بود. پس از آن پمپئو، وزیر خارجه ترامپ، یک فهرست ۱۲ گانه از پیش‌شرط‌های آمریکا برای مذاکره با ایران اعلام کرد؛ پیش‌شرط‌هایی که اساسا فهرستی از مهملات و مسائل غیرقابل قبول بود. همزمان دولت آمریکا با تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، یک مجموعه فشار سیاسی، نظامی و امنیتی را علیه ایران در دستور کار قرار داد. همزمان با این اقدامات، ترامپ با ارسال برخی مقامات، خواستار مذاکره با ایران شد. به عبارتی قصد داشت از موضع برتر با ایران وارد مذاکره شده و خواسته‌های خود را به ایران تحمیل کند. ترامپ همزمان ایران را به حمله نظامی نیز تهدید می‌کرد و به دفعات در سخنرانی‌های خود تاکید می‌کرد در صورت عدم پذیرش مذاکره، گزینه نظامی علیه ایران محتمل است.

البته در ایران اصلاح‌طلبان و حامیان دولت حسن روحانی، ضمن زمینه‌سازی برای مذاکره با ترامپ، تلاش کردند تهدید حمله نظامی را نیز برجسته کنند. به عنوان نمونه، یکی از مجلات بدنام اصلاح‌طلبان عکسی دستکاری شده از ناوهای آمریکایی را روی جلد خود برد و با این اقدام تلاش کرد با ترساندن مردم، مذاکره ایران با ترامپ را یک موضوع ضروری قلمداد کند.

در چنین شرایطی رهبر انقلاب با تبیین دقیق شرایط، اهداف پشت پرده آمریکا برای مذاکره با ایران را برشمردند؛ بر بی‌فایده بودن مذاکره با دولت ترامپ که چند ماه قبل از برجام خارج شده بود تاکید و نهایتا تصریح کردند ایران نه اساسا زیر فشار طرف مقابل مذاکره می‌کند و نه تهدید ترامپ برای حمله به ایران را جدی تلقی می‌کند و این تهدید عملی نخواهد شد. به عبارتی ایشان تصریح کردند ایران با دولت ترامپ مذاکره نخواهد کرد و جنگی نیز رخ نخواهد داد. در عمل نیز همین شد. ایران با دولت ترامپ مذاکره نکرد و جنگی هم رخ نداد. عدم وقوع جنگ در آن برهه، نشان داد رهبر انقلاب بر اساس یک تدبیر و دوراندیشی برابر فشار همه‌جانبه دولت ترامپ برای مذاکره ایستادگی کردند. ایشان با شناختی که از ترامپ پیدا کردند، پیش‌بینی می‌کردند مذاکره با دولت او نه‌تنها فایده‌ای برای ایران نخواهد داشت، بلکه مذاکره در آن مقطع را یک اقدام هزینه‌ساز برای ایران دانستند، چرا که پذیرش مذاکره، آن هم در آن شرایط، یعنی در زمین آمریکا بازی کردن و تشدید فشار بر ایران برای پذیرش زیاده‌خواهی‌های ترامپ.

بنابراین کاملا واضح است بیانات رهبر انقلاب مبنی بر اینکه «نه مذاکره می‌کنیم و نه جنگ می‌شود»، مربوط به شرایط ۷ سال قبل بوده و اساسا هیچ ارتباطی با شرایط فعلی و جنگ تحمیلی ۱۲ روزه علیه ایران نداشته و ندارد و اینکه گفته می‌شود حتی رهبر انقلاب نیز از حمله ۲۳ خرداد امسال غافلگیر شدند، از اساس غلط و کذب محض است.

مرور مواضع رهبر انقلاب در ماه‌های اخیر نشان می‌دهد اتفاقا رهبری حمله رژیم صهیونیستی به ایران و حمایت آمریکا از این رژیم در جنگ علیه ایران را قطعی می‌دانستند.

اگر چه رهبر انقلاب در این باره ملاحظاتی مانند آرامش روانی جامعه را مد نظر داشتند اما در برخی سخنان عمومی‌شان، تلویحا حمله نظامی به ایران را قطعی دانستند.

به عنوان نمونه، ایشان در نماز عید فطر امسال با اشاره به توطئه و نقشه دشمن علیه ایران فرمودند: «اگر شرارتی انجام بگیرد، قطعاً ضربه متقابل محکم خواهند خورد».

به غیر از این، ایشان بهمن‌ماه سال گذشته، بسیار صریح و روشن درباره احتمال حمله نظامی به ایران صحبت کردند. رهبر انقلاب سوم بهمن ۱۴۰۳ در دیدار کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی فرمودند: «آن متوهم خیالباف اعلام کرد ایران ضعیف شده؛ آینده نشان خواهد داد چه کسی ضعیف شده. صدام هم به خیال اینکه ایران ضعیف شده حمله را شروع کرد. ریگان هم به خیال اینکه ایران ضعیف شده آن کمک‌های آنچنانی را به رژیم صدام انجام داد؛ آنها و ده‌ها متوهم دیگر به درک واصل شدند و نظام [جمهوری] اسلامی روزبه‌روز رشد کرد؛ من به شما عرض می‌کنم به فضل الهی این تجربه این بار هم تکرار خواهد شد». مقایسه نتانیاهو با صدام و تاکید ایشان مبنی بر اینکه تجربه جنگ تحمیلی ۸ ساله رژیم صدام علیه ایران، این بار و در قبال رژیم صهیونیستی و نتانیاهو تکرار می‌شود به وضوح نشان می‌دهد برآورد و پیش‌بینی رهبر انقلاب درباره تهدیدات رژیم صهیونیستی و ترامپ مبنی بر حمله نظامی به ایران، کاملا واقع‌بینانه بوده است.

از سوی دیگر، فرماندهان نظامی و برخی مقامات سیاسی نیز در خلال جنگ و پس از توقف جنگ، به این مهم اشاره کردند که از زمستان سال گذشته، با توجه به شواهد و قرائن نظامی و سیاسی، موضوع حمله نظامی رژیم صهیونیستی به ایران، برای مقامات نظام تقریبا مسجل و قطعی شده بود.

بله! قاعدتا زمان این حمله و کیفیت و نحوه آن مشخص نبود اما اینکه گفته شود مقامات نظام و بویژه رهبر انقلاب نسبت به اصل حمله رژیم صهیونیستی غافلگیر شدند، یک ادعای کاملا کذب و نادرست است.

■ رفسنجانی حقیقتا دقت کن!

چرا محسن هاشمی‌رفسنجانی این ادعای خلاف را مطرح کرد؟! آیا باید تصور کرد او احتمالا این ادعا را جایی دیده؛ ولی توضیحات و روشنگری‌های صورت‌گرفته در رد این ادعا را ندیده و نخوانده است؟ باور این موضوع حقیقتا دشوار است. از سوی دیگر محسن رفسنجانی چگونه تصور کرده اظهارنظر «نه مذاکره می‌کنیم و نه جنگ می‌شود» متعلق به زمان اخیر است؟ قاعدتا یک عنصر سیاسی، با بهره هوشی متوسط هم وقتی بخش اول این جمله رهبری (مذاکره نمی‌کنیم) را می‌خواند، باید متوجه می‌شد این بیانات رهبر انقلاب متعلق به زمان اخیر نیست، چراکه ایران قبل از جنگ، در حال مذاکره با آمریکا بود و تا قبل از ۲۳ خرداد ۵ دور مذاکره غیرمستقیم میان عراقچی و ویتکاف برگزار شده بود. بنابراین حتی اگر تصور کنیم محسن هاشمی‌رفسنجانی توضیحات مربوط به این جمله رهبر انقلاب را ندیده و نخوانده، یک تامل مختصر و سطحی در این جمله باعث می‌شود مخاطب متوجه شود این اظهارنظر متعلق به شرایط فعلی نیست. به همین خاطر اگر باز هم تصور کنیم این صحبت محسن هاشمی و انتساب یک موضوع غلط به رهبر انقلاب، ناشی از بی‌اطلاعی و بی‌ملاحظگی او است، آنگاه ناچاریم این واقعیت را بپذیریم او از هوش و ذکاوت لازم برای تشخیص مسائل ابتدایی و بدیهی هم بی‌بهره است.

■ شما که واقعا ساکت!

طی نزدیک به ۱۰ سال گذشته یکی از گزاره‌های رایج در فضای سیاسی برای نقد جریان غربگرای داخلی و اثبات ناتوانی آنها در درک و فهم مسائل مهم، خاصه موضوعات مربوط به استراتژی و راهبردهای سیاست خارجی و همین‌طور مباحث مربوط به اقتدار و قدرت دفاعی، توئیت جنجالی مرحوم حجت‌الاسلام اکبر هاشمی‌رفسنجانی است که نوشته بود: «دنیای فردا دنیای گفتمان‌هاست، نه موشک‌ها...».

این توئیت که سال ۹۵ نوشته و منتشر شد، نه صرفا یک اظهارنظر معمولی درباره یک سیاست نظام، بلکه یک نگرش بنیادین درباره استراتژی کلان ایران در قبال موضوع امنیت ملی و نحوه تعامل با نظام حاکم بر دنیا بود.

مرحوم رفسنجانی با این توئیت در واقع نگرش خود نسبت به نحوه تعامل با نظام ظالمانه فعلی دنیا را نشان داد. از نظر او، در مقابل این نظم آمریکایی، تقویت توان دفاعی اشتباه است و باید از طریق مذاکره و ایده‌های نظری، امنیت ملی، تمامیت ارضی و حاکمیت سرزمینی خود را حفظ کرد. در واقع با توجه به آن مقطع زمانی که موضوع مذاکره با آمریکا و توافق هسته‌ای مطرح بود، این توئیت آن مرحوم به این معنی بود که در برابر دشمن باید از راه مذاکره وارد شد و با مذاکره مسائل قابل حل هستند و لذا افزایش قدرت دفاعی ایران تاثیری نخواهد داشت.

البته برخی نیز معتقد بودند با توجه به اینکه طرف آمریکایی در مذاکرات، غیر از موضوع هسته‌ای، از ضرورت اعمال محدودیت‌های موشکی نیز می‌گفت، این توئیت رفسنجانی به نوعی نرمال کردن پذیرش زیاده‌خواهی آمریکایی‌ها بود. به هر حال انتقادات زیادی به این توئیت رفسنجانی وارد شد. مهم‌ترین انتقاد را رهبر انقلاب مطرح کردند. معظم‌له با انتقاد شدید از کسانی که روزگار و دنیای فردا را دنیای مذاکره می‌دانند و نه موشک، خاطرنشان کردند: روزگار، روزگار همه چیز است اگرنه به راحتی و به صراحت حق ملت را خواهند خورد. ایشان افزودند: اگر این حرف از روی ناآگاهی گفته شده باشد یک مساله است اما اگر از روی آگاهی باشد خیانت است. رهبر انقلاب همچنین فرمودند: دشمنان مدام در حال تقویت توان نظامی و موشکی خود هستند، در این شرایط چطور می‌گوییم روزگار موشک گذشته است؟!

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای این حرف‌ها را شبیه حرف‌های برخی اعضای دولت موقت دانستند که اوایل انقلاب می‌گفتند جنگنده‌های اف ۱۴ را که خریده‌ایم به آمریکا پس بدهیم، به دردمان نمی‌خورد! رهبر انقلاب افزودند: در آن موقع ایستادگی و افشاگری کردیم و چندی بعد که صدام به ایران حمله کرد معلوم شد چقدر به این ابزارهای دفاعی نیاز داریم. ایشان با تأکید مجدد بر موافقت‌شان با ابزار دیپلماسی و مذاکره سیاسی به جز چند استثنا، افزودند: طوری تبلیغ نکنند که انگار با گفت‌وگو مخالفیم، ما می‌گوییم باید قوی و هوشیار مذاکره کرد تا سرمان کلاه نرود.

این واکنش رهبر انقلاب در واقع گوشزد واقعیات دنیا به رفسنجانی بود، بویژه اینکه ایشان گوشزد کردند توانمندی موشکی در تضاد و تقابل با مقوله دیپلماسی و مذاکره نیست و اتفاقا با افزایش قدرت دفاعی می‌توان به نتیجه‌بخش بودن مذاکره امیدوار بود.

اما آنچه طی نزدیک به ۱۰ سال گذشته و پس از توئیت رفسنجانی در دنیا اتفاق افتاد، غلط بودن ذهنیت و باور آن مرحوم را اثبات کرد و نشان داد در دنیای فعلی و آینده، این قدرت نظامی است که امنیت و جایگاه کشورها را تعیین می‌کند و مهم‌تر از همه، تحولات جهانی به سمتی می‌رود که کشورهای فاقد توانمندی دفاعی، در معرض خطر نابودی قرار گرفته‌اند، بویژه حمله روسیه به اوکراین و جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه و لبنان به وضوح اهمیت قدرت دفاعی و توانمندی نظامی کشورها را نشان داد.

به صورت دقیق‌تر، جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه ایران، یعنی همان موضوعی که محسن فرزند مرحوم اکبر هاشمی‌رفسنجانی مدعی شد حتی رهبر انقلاب را نیز غافلگیر کرد، به صورت ملموسی غلط بودن، خسارت‌بار بودن و هزینه‌ساز بودن تصور و تفکر مرحوم رفسنجانی را برای همه مردم ایران ثابت کرد. به اذعان همه، چه دوست و چه دشمن، اگر قدرت موشکی ایران نبود، رژیم صهیونیستی و آمریکا با ایران و به صورت مشخص با تهران همان کاری را می‌کردند که طی ۲ سال اخیر با غزه و بیروت انجام داده‌اند. همین‌طور به اعتراف همه صاحب‌نظران و تحلیلگران دنیا، آنچه باعث شد نتانیاهو ناچار شود درخواست آتش‌بس و توقف جنگ بدهد، قدرت موشکی ایران و خسارات هنگفت اصابت این موشک‌ها به اهداف تعیین شده در سرزمین اشغالی بود. مردم ایران طی ۱۲ روز جنگ تحمیلی، با تمام وجود اهمیت قدرت دفاعی بویژه اهمیت موشک‌ها را درک کردند. به عبارتی تجربه ۱۲ روز جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه تهران باعث شد مردم ایران به شکل بسیار محسوس و ملموسی اهمیت موشک‌های خود را بدانند و اکنون بسیار بیشتر از قبل مشخص شده است اگر تفکر و تصور مرحوم رفسنجانی در نقد موشک‌ها در کشور اعمال می‌شد، ایران در جنگ اخیر چه هزینه‌ها و خسارات هنگفتی را متحمل می‌شد.

بر همین اساس، می‌توان گفت اگر حمله رژیم صهیونیستی به ایران حقیقتا کسی را غافلگیر کرده باشد، طرفداران ایده و تفکر مرحوم رفسنجانی هستند نه آنهایی که طی دهه‌های اخیر بارها و بارها بر ضرورت قوی شدن ایران در تمام حوزه‌ها، بویژه حوزه دفاعی و موشکی تاکید کرده‌اند و همواره به افراد و دیدگاه‌های غربگرا، نسبت به عواقب و خسارات هنگفت دیدگاه‌های‌شان هشدار داده‌اند.

ایران در جنگ ۱۲ روزه در کنار حملات موشکی و پهپادی، بیش از ۴۰۰ حمله هکری علیه زیرساخت‌های رژیم صهیونیستی انجام داد

گوشمالی سایبری اسرائیل

جنگ ۱۲ روزه تحمیلی رژیم صهیونیستی علیه ایران، نه‌تنها در میدان نظامی، بلکه در جبهه سایبری نیز با شدت بی‌سابقه‌ای در جریان بود. گزارش‌های متعدد رسانه‌ها و اندیشکده‌های عبری و غربی نشان می‌دهد ایران در کنار حملات موشکی و پهپادی، کارزار سایبری گسترده و موفقی علیه اسرائیل اجرا کرد که ابعاد تاکتیکی، روانی و اطلاعاتی را در بر می‌گرفت.

بر اساس گزارش کانال ۱۲ رژیم صهیونیستی که روز گذشته منتشر شد، در جریان جنگ ۱۲ روزه، هکرهای منتسب به ایران موفق به نفوذ به تلفن همراه آیلت شاکد، وزیر پیشین دادگستری رژیم صهیونیستی شدند. این حمله از طریق فریب شاکد برای کلیک روی لینک مخرب انجام شد که دسترسی به حساب تلگرام او را فراهم کرد.

بر اساس اعلام کانال ۱۲ رژیم صهیونیستی، شین‌بت (سازمان امنیت داخلی اسرائیل) این حمله را تأیید و منشأ آن را ایران دانسته است. همچنین این اتفاق در کنار حملات سایبری پیشین، باعث شده شین‌بت پروتکل‌های امنیتی جدیدی برای مقامات صهیونیست وضع کند، از جمله اجتناب از کلیک روی لینک‌های ناشناس. این نمونه نشان‌دهنده هدف‌گیری دقیق مقامات ارشد رژیم صهیونیستی توسط هکرهای ایرانی است که با هدف جمع‌آوری اطلاعات حساس یا اخلال در تصمیم‌گیری انجام شد.

با این حال با گذشت ۲ ماه از توقف جنگ نظامی، جنگ سایبری ۲ طرف علیه یکدیگر همچنان ادامه دارد. در همین رابطه روزنامه انگلیسی فایننشال تایمز در گزارشی با عنوان «جنگ دیگر اسرائیل و ایران» به این موضوع پرداخته است. این رسانه به موج پیامک‌های مشکوک حاوی لینک‌های مخرب اشاره کرده که مقامات اسرائیلی پس از حمله غافلگیرانه اسرائیل به ایران دریافت کردند. طبق اعلام فایننشال تایمز، یکی از مقامات اسرائیلی اذعان کرده این حملات سایبری پس از آغاز درگیری شدت گرفت و همچنان ادامه دارد.

پیش‌تر نیز اندیشکده آمریکایی «موسسه خاورمیانه» در گزارشی با عنوان «جبهه‌های دیجیتال» اعلام کرد حملات سایبری ایران در مدت زمان جنگ ۱۲ روزه، ۷۰۰ درصد نسبت به عملیات‌های قبلی افزایش داشته است. این حملات چندلایه، شامل عملیات روانی با استفاده از هوش مصنوعی برای انتشار اطلاعات نادرست، نفوذ به دوربین‌های مداربسته برای جمع‌آوری اطلاعات تاکتیکی و اخلال در زیرساخت‌های دیجیتال بود. به اذعان این اندیشکده آمریکایی، هماهنگی در حملات سایبری علیه سرزمین اشغالی، نشان‌دهنده بلوغ دکترین سایبری ایران است که از حملات پراکنده به سمت کارزارهای منسجم و ترکیبی حرکت کرده است.

جدا از اینها، گزارش NSFOCUS Fuying Lab به عنوان یک آزمایشگاه تحقیقاتی در حوزه امنیت سایبری نیز ابعاد گسترده این حملات را تأیید می‌کند. طبق داده‌های ارائه شده از سوی این آزمایشگاه، از آغاز سال ۲۰۲۵ حدود ۱۷۰ گروه هکری، با انجام ۱۳۴۵ حمله سایبری، اسرائیل را هدف قرار دادند که ۴۴۷ مورد آن پس از آغاز جنگ تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی علیه کشورمان بود.

از زمان آغاز جنگ ۱۲ روزه، ۳۷ درصد کل فعالیت‌های هکری که توسط NSFOCUS رصد شده، رژیم صهیونیستی را هدف گرفته و این رژیم را در صدر فهرست اهداف سایبری جهان قرار داده است.

از داده‌های مربوط به فعالیت‌های حمله سایبری گروه‌های هکری می‌توان دریافت از زمان شروع جنگ، تعداد حملات سایبری علیه ایران رو به کاهش بوده، در حالی که تعداد حملات سایبری علیه اسرائیل افزایش یافته است.

همچنین در زمان جنگ ۱۲ روزه، ۵ صنعت اصلی که در اسرائیل مورد حمله قرار گرفته‌اند عبارتند از: دولت و بخش عمومی، دفاع و هوافضا، خدمات اینترنت و فناوری اطلاعات، بخش‌های شبکه و مخابرات و مؤسسات آموزشی.

جملگی این داده‌ها حاکی از آن است ایران در جنگ ۱۲ روزه، حملات سایبری را به عنوان مکملی مؤثر برای عملیات نظامی خود به کار گرفت. نفوذ به سامانه‌های حساس، هدف‌گیری مقامات و جنگ روانی از طریق پیامک‌ها و اطلاعات جعلی، همگی بخشی از یک راهبرد ترکیبی بود که نه‌تنها اخلال ایجاد کرد، بلکه اطلاعات ارزشمندی برای عملیات موشکی و پهپادی فراهم آورد. این موفقیت‌ها همراه با افزایش ۷۰۰ درصدی حملات، نشان‌دهنده تحول راهبرد سایبری ایران و توانایی آن در رقابت با اسرائیل در فضای دیجیتال است.

فعالیت‌های جهانی هکرها از ۱۳ تا ۲۳ ژوئن

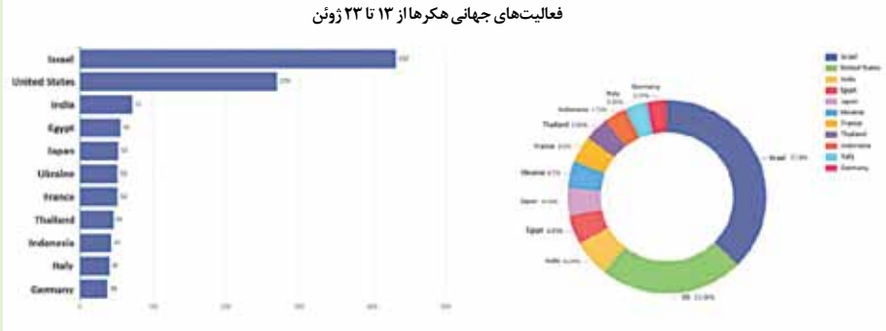

به پای خود شلیک نکنیم!

نگاه

ادامه از صفحه اول

تا زمانی که جامعه ایران در لحظات تهدید، یکپارچه و هم‌موضع باشد، توان بازدارندگی و پاسخگویی ایران حفظ خواهد شد. به همین دلیل، محور جدید تلاش‌های رژیم ـ چه به صورت مستقیم و چه از طریق شبکه متحدان و عوامل نیابتی ـ معطوف به تولید و تشدید شکاف‌های داخلی خواهد بود. این شکاف‌ها می‌تواند قومی، مذهبی، طبقاتی، جنسیتی یا سیاسی باشد. از تحریک نارضایتی‌های اقتصادی گرفته تا برجسته‌سازی اختلافات فرهنگی، همه و همه در خدمت یک هدف قرار می‌گیرد: زدودن اعتماد، امید و همبستگی از درون جامعه ایران.

■ نقش «سربازان نادان» در جنگ رژیم

در چنین شرایطی، یک نکته حیاتی را باید به صراحت گفت: هر فرد، گروه یا جریانی که خواسته یا ناخواسته در مسیر تشدید شکاف‌های داخلی و تخریب انسجام ملی گام بردارد، در عمل به عنوان یک «سرباز نادان صهیونیست‌ها» عمل می‌کند. ممکن است نیت آن فرد یا جریان، پیگیری مطالبات شخصی یا اجتماعی باشد اما در سطح راهبردی، خروجی چنین رفتارهایی دقیقاً همان چیزی است که اتاق‌های فکر تل‌آویو به دنبالش هستند. باید توجه داشت انسجام ملی به معنای نبود اختلاف‌نظر نیست. وجود نقد و مطالبه‌گری در هر جامعه‌ای طبیعی و حتی ضروری است اما خط قرمز، آنجاست که نقد و مطالبه‌گری به دشمن‌تراشی درونی و تضعیف جبهه داخلی در برابر تهدید خارجی تبدیل شود. این همان نقطه‌ای است که مرز بین «فعال مدنی» و «پیاده‌نظام بی‌جیره و مواجب دشمن» کمرنگ و گاه محو می‌شود.

■ شلیک به پای خود

جامعه‌ای که برابر تهدید خارجی، وحدت و همصدایی خود را از دست بدهد، عملاً راه را برای مداخله مستقیم دشمن باز می‌کند. تاریخ معاصر پر است از نمونه‌هایی که در آن، فروپاشی انسجام داخلی، مقدمه سقوط سیاسی یا شکست نظامی بوده است. کافی است نگاهی به برخی کشورهای منطقه بیندازیم که پیش از حمله خارجی، درگیر آشوب داخلی بودند و در نهایت، نه‌تنها اهداف اصلاح‌طلبانه داخلی محقق نشد، بلکه کشورشان دچار فروپاشی ساختاری شد. اگر امروز در ایران، گروهی با بی‌توجهی به پیامدهای رفتار خود، به سمت ایجاد و تعمیق شکاف‌های اجتماعی حرکت کند، باید بداند گلوله‌ای که شلیک می‌کند، نهایتاً به پای خودش و به پیکر کشورش اصابت می‌کند. رژیم صهیونیستی هیچ نیازی به لشکرکشی مستقیم برای شکست ایران نخواهد داشت، اگر بتواند این کار را با دست خود ایرانی‌ها و با جنگ روانی و آشوب داخلی انجام دهد.

■ مسؤولیت جمعی در حفظ همبستگی

حفظ انسجام ملی، تنها وظیفه نهادهای امنیتی یا حاکمیتی نیست؛ این یک مسؤولیت جمعی است. رسانه‌ها، فعالان اجتماعی، نخبگان فرهنگی و حتی کاربران شبکه‌های اجتماعی، هر یک نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری یا تخریب این انسجام دارند. هر کلمه، هر تصویر و هر روایت می‌تواند یا به ترمیم اعتماد ملی کمک کند یا آتش بی‌اعتمادی و دشمنی را شعله‌ورتر کند. امروز، پس از تجربه خرداد ۱۴۰۴، باید هوشیار بود که دشمن مسیر تازه‌ای را آغاز کرده است. جنگ آینده، لزوماً با موشک و پهپاد شروع نمی‌شود، بلکه ممکن است با یک هشتگ، یک کلیپ یا یک شایعه کلید بخورد و اگر ما بی‌محابا وارد این بازی شویم، فقط به پای خودمان شلیک کرده‌ایم.